

مدیریت اقتصادی و نقش آن در تربیت فرزندان

محمداسحاق مهدوی^{۱*}

۱- استاد دانشگاه خاتم النبیین شعبه غزنی

چکیده

در این نوشتار به نقش و تأثیر مدیریت اقتصادی فرزندان بر اقتصاد خانواده و تربیت فرزندان پرداخته می‌شود. هدف از این نوشتار این است که بخش مهم از زندگی اقتصادی انسان را «اقتصاد خانواده» و «تربیت فرزندان» تشکیل می‌دهد. از طرف دیگر بخش مهمی از «اقتصاد خانواده» را هزینه‌های فرزندان به خود اختصاص می‌دهد. سوال اصلی این است که آیا مدیریت اقتصادی فرزندان از سوی والدین تأثیر مثبت بر اقتصاد خانواده و تربیتی اقتصادی آنان دارد یا خیر؟ فرض بر این است که انسان به عنوان یکی از مخلوقات الهی که از نعمت عقل و تربیت برخوردار است در حوزه اقتصادی وظیفه دارد که نسبت به اقتصاد خود و فرزندان حساس و جدی باشد. یافته‌های این تحقیق این است؛ مدیریت اقتصادی فرزندان نقش اساسی بر اقتصاد خانواده و تربیت فرزندان دارد. زیرا؛ بخشی از هزینه‌های خانواده به هزینه‌های فرزندان اختصاص می‌یابد. والدین وظیفه دارند که در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی فرزندان خویش را تحت تربیت گرفته و در کنار موضوعات دیگر موضوع «تربیت اقتصادی» آنان را جدی گرفته و با مدیریت صحیح اقتصادی زمینه را برای یک جامعه سالم و تربیت شده فراهم می‌سازد. براساس یافته‌های مهم این تحقیق والدین و به خصوص پدر وظیفه دارد تا فرزندان را به سوی اعتدال، میان‌هروی، دوری از اسراف، توجه به پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، توجه به محدودیت بودجه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و حق انتخاب و نظارت بر رفتار فرزندان همراه با آموزش و افزایش سطح علمی و فرهنگی اعضای خانواده و از همه مهم‌تر اهتمام به توسعه و رشد اقتصاد خانواده هدایت نماید. مدیریت و تربیت آنان می‌تواند دارای آثار و پیامدهای مادی، معنوی و اجتماعی باشد. از طرف دیگر واضح است که مدیریت اقتصادی و تربیت آنان رابطه مستقیم با سطح معیشت و کاهش فقر در جامعه دارد و آنان در این صورت است که در کوتاه مدت به یک شخص مثر ثمر با طرح و ابتکار توانایی اقتصادی در سطح جامعه عرض اندام کنند.

کلمات کلیدی: تربیت اقتصادی، مدیریت اقتصادی، والدین، اقتصاد خانواده.

* - mahdaviesshagh@gmail.com

مقدمه

به موازات که تربیت جامعه، اطرافیان، خود و خانواده یکی از مسائل بسیار مهم در فراروی انسان به شمار می‌آید، اقتصاد خانواده و مدیریت آن و به خصوص مدیریت اقتصادی فرزندان، از جایگاه ویژه در حوزه تربیت برخوردار می‌باشد. این مسئله به صورت مستقیم در معیشت و رفاه خانواده و به دنبال آن در اقتصاد جامعه نیز تأثیر دارد. با اینحال اهمیت و ضرورت موضوع مدیریت اقتصادی فرزندان که منجر به تربیت اقتصادی آنان می‌شود، در کنار بسیاری از مسائل دیگر مهم تربیتی روشن می‌گردد. زیرا؛ بسیاری از والدین فکر می‌کنند که وظیفه‌ی تربیتی فرزندانشان صرفاً در رعایت آداب، نظافت، پوشش، رفتار و گفتار خلاصه می‌شود، در صورتی که تربیت اقتصادی فرزندان که با مدیریت اقتصادی آنان عملیاتی می‌شود، بسیار مهم و برجسته بوده و از نگاه بسیاری از اندیشمندان ضرورت آن در جامعه امروزی لازم می‌باشد. در صورتی که اگر به مدیریت اقتصادی فرزندان با نگاه تربیتی توجه نشود، خانواده، خود و جامعه را با مشکلات عدیده‌ای اقتصادی و تربیتی مواجه می‌سازد. در این صورت است که فرزندان بخش‌های دیگری از زندگی خانواده را نیز تحت الشعاع خود قرار خواهند داد. با توجه به شرایط اقتصادی کشورهای اسلامی و به خصوص کشور اسلامی افغانستان این نوشتار به دنبال آن است که مطالب چند پیرامون «مدیریت اقتصادی فرزندان و نقش آن در تربیت» به رشته تحریر درآورد.

پیشینه تحقیق

بدون شک مدیریت بیشتر ناظر به تولید، سازمان و اداره و اقتصاد بیشتر ناظر به تولید، توزیع، پس‌انداز و هزینه‌های مصرفی است. در رشته‌های مدیریت و اقتصاد مضمونی با عنوان «اقتصادی مدیریت» وجود دارد که تمامی مسائل آن به مسائل اقتصادی سازمان و اداره اختصاص یافته است و در همین موضوع نیز از مدیریت اقتصادی فرزندان و حتی خانواده بحث صورت نگرفته است. در طی چند سال اخیر مدیریت اقتصادی فرزندان با دو عنوان «تربیت اقتصادی فرزندان» و «اقتصاد خانواده» به بحث و تبادل نظر گرفته شده است که در هر دو موضوع فرزندان می‌تواند به عنوان برخی از موضوعات آن قرار بگیرد. از این‌رو؛ «مدیریت اقتصادی فرزندان» به صورت جداگانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفته است. موضوعاتی مانند «وظیفه والدین در تربیت اقتصادی فرزندان» در مجله گفتمان فقه تربیتی، «نگاهی قرآنی به نقش الگو در تربیت اقتصادی فرزندان» در مجله آموزه‌های قرآن، «تربیت اقتصادی در حوزه مصرف اهداف، اصول و راهبردها» در مجله معرفت، «پول خرجی الفبای استقلال» در مجله پیوند و برخی از مجلات و نشریات اشاره و مورد توجه قرار گرفته است. از این جهت می‌توان گفت این بحث تا حدودی نو بوده و از لابلای موضوعات متعدد دیگر به این موضوع پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

نوشته حاضر با روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به منابع به دنبال آن است که در تربیت و مدیریت اقتصادی فرزندان و نقش آن در تربیت، به موضوعاتی مانند سن فرزندان، تامین مخارج یومیه،

تامین نیازهای اولیه، جهت دهی به پس انداز، آموزش مدیریت صحیح خرید و فروش، میان‌روی در مصرف، توجه به محدودیت بودجه و حق انتخاب توجه جدی نموده و والدین را به عنوان یک فرد مسئول در جامعه معرفی می‌نماید. در این تحقیق والدین هدایت و مدیریت فرزندان را به عهده می‌گیرد و در حوزه اقتصادی وظیفه دارد تا آنان را با مدیریت اقتصادی تربیت نماید.

مفاهیم و کلیات

۱. مدیریت

مدیریت عبارت است از فرایند به کارگیری موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام پذیرفته شده که از طریق «برنامه‌ریزی»، «سازماندهی»، «تامین منابع و امکانات»، «هدایت، نظارت و کنترل عملیات» برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۹۳: ۱۳). در نتیجه؛ مدیریت به عنوان یک فرایند در موضوعات مختلف از جمله تربیت اقتصادی فرزندان مطرح است؛ فرایند به این معنا که مدیریت یک امر ناگهانی و زود بازده نمی‌باشد، بلکه مدیریت عبارت است از پشت سر هم قرار گرفتن مراحل و گام‌های اساسی یک عمل که به منظور تحقق هدف خاص با هم ارتباط داشته و در کنار هم قرار می‌گیرند. مثلاً در یک سازمان، به طور کلی، مراحل «ورودی»، «خروجی» و «پردازش» به منظور یک هدف خاص (مثلاً تولید محصول خاص و یا خدمت خاص) در کنار هم و یا در ردیف هم قرار می‌گیرند و استفاده از بازخور (feedback) حلقه‌ی ارتباطی آن‌ها را تکمیل می‌کند.

۲. تربیت

واژه تربیت به معنای پروراندن، پروردن، آموختن و در اصطلاح به معنای: «نشان دادن روش رفتاری و گفتاری به غیر، به طوری که در وجود وی به ملکه‌ای ذهنی تبدیل شود» آمده است. (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۸۹). تربیت کردن یک فرد به این معنا که: «روش رفتاری و گفتاری به وی یاد داده شود تا در مواقع مختلف در رفتار و گفتار و عمل به صورت مربی و معلم تربیت رفتار نماید». (مهدی زاده، ۱۳۸۱: ۶۴). در نتیجه؛ تربیت در بسیاری از موجودات و به خصوص فرزندان به منظور تغییر و تثبیت رفتاری جاری می‌گردد که هدف از آن در مکاتب مختلف از جمله در مکاتب اسلامی متفاوت می‌باشد.

۳. هدف از تربیت

هدف از تربیت از دیدگاه اسلام، انسان بارآوردن و انسان نگاه داشتن همه افراد آدمی است به طوری که در نهایت انسان به «کمال مطلوب» دست یابد. از طرف دیگر این هدف مهم تأمین نمی‌شود مگر این که مربی، انسان مرتبی را از همه‌ای جهات از جمله در پیوند به مسائل اقتصادی مورد تربیت قرار دهد. به این معنا که فرد تربیت شده باید در تمامی مراحل زندگی، رفتارها و گفتارهای خویش با توجه به مبدأ (خالق) که وی را خلق کرده و مقصد (معاد) که جایگاه ابدی وی خواهد بود در نظر گرفته شود. در

چنین شرایطی است که انسان تربیت شده مواظب دست، قلب، مغز و اعضا و جوارح خود است و به خصوص در هرگونه رفتاری و گفتاری که برای وی مسئولیت آفرین باشد. (امینی، ۱۳۸۴: ۱۴). این نوع انسان است که از تعادل روحی و عاطفی، قوه عاقله، منطق و از همه مهم‌تر ایثار، شهادت، تقوا، توکل برخوردار می‌باشد و به صورت زیگزال‌ی پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری می‌پیماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه بیرون رفت از گناهان و حوادث المناک را بر او می‌گشاید. و بر او روزی بی‌شمار عطا می‌کند و هر کس بر خدا توکل کند خداوند او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش (بر همه عالم) نافذ و رواست و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است» (طلاق ۲/۳).

۴. موضوع تربیت

اصولاً موضوع تربیت به طور اعم «موجودی است که نشو و نما یا رشد می‌کند و به صورت بالقوه استعداد بالندگی را در خود داشته باشد» و به طور اخص «انسان کمال‌پذیر است که در صدد تغییر مطلوب به سوی حیات و زندگی خود می‌باشد». (پایگاه ویستا، ۱۴۰۲). البته باید گفت که هر زمانی سخن از تربیت به میان می‌آید، بیشتر از هر موجودی زنده دیگر «تربیت انسان» به ذهن متجلی می‌شود که با فراهم ساختن عوامل و شرایط مناسب، زمینه‌ای تربیت و هدایت وی را فراهم سازد و با تغییر و تحول بنیادی در انسان نتایج مطلوب و مورد هدف را به دست آورد.

۵. مربیان

یکی دیگر از مباحث مقدماتی که لازم است اندکی به آن اشاره گردد، شناخت از مربیان است که می‌توانند به عنوان مربی در تربیت انسان نقش ایفا کنند که به صورت مستقیم به جنبه شناختی که به دانش، شناخت و آگاهی انسان و نیز به جنبه کنشی یا حرکتی که به رفتار و اعمال عینی انسان مربوط می‌شود مربوط می‌گردد و بالاخره گاهی به جنبه گرایشی یا عاطفی انسان که نگرش، اعتقاد، ایمان و علائق، احساسات انسان را درمی‌ورد نیز ارتباط پیدا می‌کند. مرتبط است. (کریمی، ۱۳۷۶: ۶۲). بنابراین؛ مربیان که در راس همه «خداوند متعال» قرار دارد، پیامبران الهی، امامان معصوم (ع)، علماء و جانشینان پیامبران و امامان معصوم، معلمین، والدین، افراد بزرگ‌تر خانواده، کتاب و نشریات، کانال‌ها و صفحات اجتماعی و سایت‌ها است که همواره انسان را در هر زمان از لحظه تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (اعرافی، ۱۳۸۸: ۱۶).

۶. مدیریت اقتصادی

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تربیتی «تربیت اقتصادی فرزندان» است که در میان دیگر حوزه‌ها به غیر از تربیت اخلاقی و اعتقادی بسیار اهمیت دارد. تربیت اقتصادی عبارت از آموزش و تأدیب فرزندان

براساس التزام به اصول ارزشمند اخلاقی در حوزه اقتصاد است تا هویت و تصور فرزندان از خودشان بر اساس دستورات اسلام از اقتصاد قوام یابد (مطهری، ۱۳۹۸: ۱۵۱). این درحالی است که بسیاری از والدین و دیگر مربیان فکر می‌کنند وظیفه تربیتی فرزندانشان صرفاً در رعایت آداب نظافت، بهداشت، پوشش، رفتار و گفتار خلاصه می‌شود، در صورتی که اگر فرزندان تربیت اقتصادی مناسبی نداشته باشند در زندگی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد که به یقین امور دیگر تربیتی را تحت الشعاع قرار خواهد داد. چه بسا ریشه‌ی بسیاری از گرفتاری‌های جوانان و نوجوانان ریشه در مصرف بی‌رویه و یا مصرف غیر عقلایی آنان دارد. بنابراین؛ لازم است فرزندان به گونه‌ای تربیت شوند که علاوه بر شرافتمند بودن آنان در امور اخلاقی، دینی، مذهبی، اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و... تربیت مناسب اسلامی داشته و در حوزه اقتصادی مدیران اقتصادی خوب در خانواده و نیز در جامعه باشند. در نتیجه؛ پای‌بند نمودن فرزندان به اصل میانه روی، تقریب مفهوم «مدارا» با «اقتصاد» در اندیشه فرزندان، بیان‌انگیزه‌های انجام فعالیت‌های اقتصادی برای فرزندان، تلقین مطلوبیت کار و نکوهش راحت‌طلبی و سوق دهی فرزندان به ارتقاء تعهد، تخصص و نوآوری از جمله مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان محسوب می‌شوند (محصص، ۱۳۹۳: ۵۶).

۷. مدیریت اقتصادی فرزندان

مدیریت اقتصادی فرزندان یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه اجتماع، خانواده و نهاد مطرح می‌باشد. بدون شک تربیت در نحوه‌ی فعالیت‌های اقتصادی افراد و به خصوص کودکان نقش مهمی دارد و نمی‌توان جایگاه آن را در ارائه الگوی صحیح نادیده گرفت. (امامی، ۱۳۹۵: ۸۳). مدیریت در جایی به کار می‌رود که افراد زیر مجموعه معمولاً عاقل، هدفمند و بالغ باید باشند، زیرا؛ مدیریت در اداره یا سازمان به اجرا در می‌آید که سازمان یک نهادی است که افراد به صورت هدفمند با همدیگر تعامل دارند. ولی تربیت معمولاً هم بزرگسالان و هم خردسالان را شامل می‌شود. از آنجایی که فرزندان نیازمند مدیریت اقتصادی است، اغلب موارد با عنوان تربیت اقتصادی نام برده شده است. از این‌این جهت است که مدیریت اقتصادی فرزندان با روش تربیتی شکل می‌گیرد و در جایی که هدایت و کنترل اقتصادی فرزندان صورت می‌گیرد در واقع تربیت نیز حاصل شده است. در این بخش مهم به تعدادی از موارد «مدیریت اقتصادی فرزندان» اشاره و مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

بنابراین؛ موضوع بسیار مهم «مدیریت اقتصادی فرزندان» با روش‌های تربیتی، در عصر مدرن امروزی بخش عمده‌ای از هویت خانواده را تشکیل داده، رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهند داشت (پایگاه اطلاعات و فرهنگ، ۱۴۰۲/۹/۹).

نقش حیاتی والدین در مدیریت اقتصادی فرزندان

مکتب انسان ساز اسلام تشکیل شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت، پرورش و مراقبت پدر و مادر می‌داند و نقش والدین را در این زمینه بسیار برجسته می‌داند به طوری که قرآن کریم تأکید می‌کند

والدین وظیفه دارند تا فرزندان شان از هلاکت نجات دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، اجرا می‌نمایند!» (تحریم: ۶)

بنابراین؛ تربیت فرزندان و مدیریت اقتصادی آنان از دوران کودکی شروع گشته و در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اعتقادی و به خصوص حوزه‌ی اقتصادی تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. تربیت اسلامی ساحت‌های مختلفی دارد که تربیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین این ساحت‌هاست. والدین و محیط خانواده، یکی از مهم‌ترین کانون‌های تأثیر گذار بر رشد کودکان به‌شمار می‌آید و باید نونهالان در این محیط جهت رشد و شکوفایی در جامعه پرورش یابد و به‌عنوان یک فرد سالم، درستکار و متعهد به جامعه عرضه گردد. وظیفه‌های والدین است که فرزندان را با واقعیات زندگی، آن‌چنان که هست، آشنا سازند. در نتیجه؛ نقش والدین در مدیریت و تربیت اقتصادی فرزندان، بسیار حیاتی و سازنده می‌باشد. در صورتی که اگر این مسئله اتفاق بیفتد، اقتصاد خانواده و مسیر اقتصادی جامعه مسیری درستی را در پیش خواهند گرفت. از این‌رو؛ والدین موظف هستند تا در موارد زیر «اقتصاد» فرزندان را با نگاه تربیتی مدیریت کنند.

۱. تامین نیازهای اولیه فرزندان

در مقابل خانواده‌های ثروتمندان که معمولاً از منابع سرشار و فراوان برخوردار است، خانواده‌های فقیر و نادار قرار دارند که معمولاً در تامین نیازهای اولیه زندگی و از جمله نیازهای اولیه فرزندان با مشکلات جدی مواجه هستند، قرار دارد. در این وضعیت است که مدیریت اقتصادی از جایگاه بسیار مهم برخوردار بوده و از نگاه تربیتی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در این وضعیت که منابع موجود بسیار نادر هستند، بر والدین است که منابع محدود موجود را به‌صورت بهینه مصرف و با توجه به اولویت مدیریت نمایند.

والدین یا مسئولین حکومت‌ها وظیفه دارند تا بخش عمده‌ای از نیازهای اولیه فرزندان را تامین نمایند، زیرا؛ بسیاری از بزهکاران مالی و اختلاس‌گران (به‌جز عده‌ای خاص) افرادی هستند که از عقده‌های مالی و عدم تامین آن در دوران نوجوانی و جوانی برخوردار می‌باشند. این افراد در صورت رسیدن به مقام و موقعیت مناسب مالی که دست شان باز باشد با عقده‌گشایی اقدام به فساد مالی کرده و در مصرف نیز افراط خواهد کرد که برای جامعه و دیگر افراد جامعه آسیب‌زا و مشکل‌آفرین خواهد بود. بنابراین؛ عامل اقتصادی نقش مهمی در بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد. پژوهشگران معتقدند که تضاد طبقاتی، توزیع ناعادلانه ثروت، فقر، تهی دستی، تمایل به ثروتمند شدن و بی‌کاری را می‌توان به عنوان عوامل جرم دانست (عالی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). به‌طور کلی، فقر، در زیر مجموعه اقتصاد، یکی از عوامل اصلی ارتکاب جرم و بزهکاری به‌ویژه در نوجوانان و جوانان به‌شمار می‌رود. از نظر روان

شناسان، گروه بزهکار در شمار یکی از گروه های متنوع ناسازگاران اجتماعی هستند و از نظر حقوق دانان، گروه بزهکار کسانی هستند که به انجام دادن هر کار یا ترک کاری که برابر قانون، مجازات دارد، دست می یازند. در نتیجه؛ والدین موظف هستند در این زمینه مدیریت اقتصادی فرزندان را مورد توجه قرار دهند.

۲. عدم تامین تمامی نیازهای فرزندان

یکی از مشکلات اقتصادی فرزندان به خصوص فرزندان ۱۸ تا ۲۵ سال، برآورده نمودن تمامی نیازهای آنان است. از نگاه تربیتی سفارش شده است که والدین حتی اگر از وضعیت مالی بسیار خوبی نیز برخوردار باشند، بهتر است برخی از خواسته ها و نیازهای فرزندان شان را برآورده نمایند. زیرا؛ اگر فرزندان همیشه عادت داشته باشند که خواسته هایش بلافاصله و بی کم و کاست انجام می پذیرد، در آینده زندگی شان با مشکلات زیاد و جدی روبرو خواهد شد و از این ناحیه آسیب های بسیار جدی و شکننده بروی وارد خواهد شد.

بنابراین؛ این بخش در واقع والدینی را مورد خطاب قرار می دهد که از منابع کافی برای خرج کردن فرزندان شان برخوردار می باشند. نگاه تربیتی ایجاب می کند که در خرج و مصارف فرزندان باید مدیریت کرد و متناسب با نیازهای اولیه شان اقدام به دادن پول یا خرید نمایند. زیرا؛ پول خرجی خود الفبای استقلال اقتصادی و شخصیتی است که والدین می توانند آن را مدیریت کنند.

۳. توجه به سن فرزندان در دادن پول تو جیبی

یکی از مهم ترین مسائل در تربیت اقتصادی فرزندان دادن «پول تو جیبی» یا «مصرف روزانه» است که از به الفبای استقلال اقتصادی یاد شده است. در این مقطع والدین وظیفه دارند تا به سن فرزندان توجه جدی نمایند. بسیاری از کارشناسان تربیتی معتقدند که سن فرزندان در تربیت اقتصادی نقش تعیین کننده ای دارد و در این مقاطع سنی باید از سوی والدین مدیریت گردد. در این زمینه توجه به نکات زیر لازم است:

۱. کودکان تا قبل از سه سالگی خیلی از مسائل از جمله پول و مصرف آن را متوجه نمی شوند؛
۲. کودکان از حدود سه سالگی به بعد مفاهیمی چون پول، خرید و مصرف را تا حدودی درک می کنند؛
۳. کودکان پس از پنج سالگی مفاهیم پول، خرید و چگونگی مصرف آن را کاملاً درک می کند؛
۴. پس از ورود کودک به دبستان یا صنف اول پول تو جیبی یا مصرف روزانه مطابق با نیاز کودک در نظر گرفته شود.
۵. فرزندان در سنین نوجوانی علاوه بر خوراکی مدرسه به برخی از هزینه های دیگر مانند هزینه های سالن، شنا، رفتن به کافی شاپ، ساندویچی، چپس برگر و تفریح نیز نیاز دارند؛

۶. فرزندان نوجوان و جوان که هنوز دستش تو جیب والدین است باید توجه کنند و به خوبی به یاد داشته باشند، پولی که در دسترسشان قرار گرفته است با زحمت به دست آمده است و با توجه به آن «قدر پول شان» را بدانند و از آن به بهترین شکل ممکن استفاده کنند؛

۷. نکته بسیار مهم این است که «پول تو جیبی» می‌تواند روزانه، هفتگی و یا ماهانه باشد که بستگی به شعور و فهم کودک یا نوجوان دارد که چگونه آن را مصرف می‌کند و به آغاز و پایان برنامه ریزی و دادن پول خرجی است که توجه دارد یا خیر؟

بنابراین؛ والدین موظف هستند که در دادن «پول تو جیبی» یا «مصرف روزانه» باید به اندازه‌ی نیاز فرزندان و در نظر گرفته شود و خوب است که والدین جهت مصرف فرزندان شان نیز مدیریت کنند. والدین در مصرف روزانه فرزندان شان به گونه مدیریت کند که فرزندان بدانند که اولاً این پول با زحمت به دست آمده است، ثانیاً این پول در جایی که نیاز نمی‌باشد مصرف نشود، ثالثاً فرزندان کم کم مفهوم استقلال اقتصادی را یاد بگیرند.

۴. آموزش فرزندان به پس انداز

یکی از مباحث جدی در اقتصاد، بحث پس انداز در سطح خرد و کلان اقتصادی است که در این باب نظریات مختلف نیز وجود دارد، ولی آن چه نسبت به کودکان و فرزندان می‌تواند مفید باشد این است که «پس انداز» نه تنها برای فرزندان یک امر لازم و ضروری است، بلکه برای زندگی هر انسان نیز لازم و ضروری می‌باشد. زیرا؛ وسایلی که مورد نیاز زندگی یک خانواده هستند به تدریج فرسوده و کهنه می‌شوند که باید وسایل جدید و نو جانشین آنها شود، ممکن است فردی از افراد خانواده نیز دچار مرضی یا حوادث ناگوار گردد که نیاز به منابع مالی داشته باشد. این نیازها با پس انداز کردن تامین می‌شود. یکی از آثار تربیتی این موضوع این است که فرزندان باید بیاموزند که از وسایل خانه که مشترک بین افراد خانواده است و خرید آن نیاز به منابع مالی می‌باشد، باید عاقلانه و منطقی استفاده کنند، مدیریت اقتصادی والدین در بخش پس انداز کردن برای خود، خانواده و فرزندان حس مسئولیت پذیری در فرزندان و اعضای خانواده را افزایش داده و آن را تقویت می‌کند (<https://sarie.news>).

والدین در جلسات بودجه‌بندی خانوادگی می‌توانند با فرزندان خود که در سنین گوناگون قرار دارند، توافق کنند که تمام افراد خانواده هر کدام مقدار و درصدی از پول خود را به‌عنوان سهم خود از پس انداز خانواده در نظر گیرند و در ابتدای هر ماه یا هفته به حساب پس انداز خانواده واریز کنند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴/۳/۲۹).

بنابراین؛ با این که عادت پس انداز کردن برای فرزندان، ممکن است یک مهارت حیاتی در زندگی باشد، اما همیشه آسان نیست. (صدای بورس، ۱۴۰۱). ولی والدین می‌توانند با مدیریت صحیح در این مسئله به فرزندان شان کمک کرده و با تکیه بر روش‌های تربیتی، به فرزندان شان بیاموزند که در کنار «مصرف»، «پس انداز» و «اندوخته‌های مالی» نیز وجود دارد. والدین از این طریق می‌توانند به طور دقیق اما غیر مستقیم بر فرزندان نظارت کرد و در این زمینه اقتصاد روزانه فرزندان را به سوی «پس انداز

کردن» مدیریت کنند. صاحب نظران تربیتی پیشنهاد می‌کنند که به منظور آموزش پس‌انداز به فرزندان، بر والدین لازم است که در زمان دادن پول خرجی، با خرید قلق، قدری اضافه‌تر داده شود و بخشی از آن را در آن ذخیره و پس‌انداز نموده و از این طریق به فرزندان پس‌انداز کردن را بیاموزد و آنان را در راه تشویق و حتی لازم است که برای فرزندان زیر سن قانونی حساب باز نمایند.

۵. مدیریت خرید و فروش توسط فرزندان

خرید و فروش بخشی از زندگی اقتصادی انسان را تشکیل می‌دهد و مربوط به اقتصاد خانواده می‌شود که دوجنبه اساسی دارد. اول؛ مدیریت درآمد از طریق کسب روزی حلال و دوم؛ مدیریت هزینه‌ها از طریق دستیابی به الگوی مصرف صحیح. تلاش کافی در جهت دستیابی به منافع اقتصادی در صورتی که با یکسری اصول همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می‌نماید. والدین می‌توانند با فرزندان خود به خرید و فروش بروند و نحوه صحیح خرید و فروش را به صورت رفتاری به آنان آموزش دهند. در مرحله دیگر واگذاری مدیریت خرید تنها به فرزندان است که با نظارت غیر مستقیم تصمیم‌گیری و مدیریت را به وی آموزش دهد تا فرزندان بتوانند خود برای منابعی که در دست دارند برنامه‌ریزی اقتصادی داشته باشند.

۶. میانه روی در مصرف و دوری از اسراف

مصرف یک مفاهیم مهم در علم اقتصاد است. این واژه در لغت به معنای به کاررفتن، هدردادن و خرج کردن به کار رفته است. (عمید، ۱۳۶۳: ۹۸۰). این واژه در اصطلاح به معنای درآمدی که صرف تحصیل لذت می‌شود و یا بهره‌گیری از چیزی برای برآوردن یک یا چند نیاز ذاتی به کار رفته است (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ۲۷۴). از این تعاریفات به دست می‌آید که مدیریت اقتصادی فرزندان در حوزه مصرف را می‌توان به معنای یاری‌رسانی به متریبان در جهت شکوفایی و پالایش صحیح مصرف بر پایه باورها، ارزش‌ها و احکام اسلامی برای بهره‌گیری از مواهب دنیایی جهت اوج‌گیری به مقام خداگونگی و قرب الهی نیز به کار برد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۵۹۹).

رعایت اعتدال و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در تمام امور به ویژه در امور اقتصادی، نه تنها یک ضرورت دینی است، بلکه منشأ فطری نیز دارد و سرشت انسان آن را به خوبی درک می‌کند. از طرف دیگر در انحراف از اعتدال، خطر انحطاط، اضمحلال هلاکت فرد، خانواده و جامعه را فراهم می‌سازد. بنابراین؛ اعتدال و میانه‌روی و دوری از اسراف و تبذیر یک وظیفه اسلامی است که باید در الگوی صحیح مصرف یک خانواده و جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا لازم است که افراد خانواده اعم از پدر، مادر و فرزندان و دیگر افراد جامعه به آن عنایت داشته باشد. زیرا؛ خداوند نعمت‌های فراوان و روزی حلال را در اختیار انسان قرار داده است، ولی هرگز به اسراف و تبذیر امر ننموده است: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ از میوه

آن (انار و زیتون) به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید! و حق آن را به هنگام درو، بپردازید! و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

در روایتی از امام علی(ع) نقل شده است که آن حضرت به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَبَتِ قَالَ (ع): لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدِ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ وَ إِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ وَ أَمَا إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيَّةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كَلَهُ: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا»؛ فرزندانم! آیا تو را از چهار مطلب آگاه نکنم که با آن از طب بی‌نیاز شوی؟! فرمود: بله پدرجانم! فرمود:

۱. بر [سفره] غذا منشین مگر اینکه گرسنه باشی؛

۲. از [سفره] طعام بلند مشو مگر اینکه هنوز اشتها داشته باشی؛

۳. جویدن لقمه را کامل انجام بده؛

۴. هنگامی که خواستی بخوابی ابتدا به دستشویی برو؛ بنابراین؛ هنگامی که این‌ها را انجام دادی از طب بی‌نیازی. از امام(ع) سوال شد و گفته شد که در قرآن هر علمی هست غیر از طب؛ در پاسخ فرمود: اما بدرستی که در قرآن آیه‌ای هست که همه طب را در خود جمع کرده است؛ می‌فرماید «بخورید و بیاشامید و زیاده‌روی نکنید (راوندی، ص ۷۵).

بنابراین؛ میانه روی در مصرف، در ارتباطات و... نیازمند یک مدیریت بسیار مقتدر می‌خواهد. والدین نزدیک ترین افراد به فرزندان می‌تواند این وظیفه را به خوبی انجام دهد. آنان در مصرف از سوی فرزندان یا مصرف برای فرزندان باید میانه و دوری از اسراف را در پیش گیرد و در این زمینه اقتصاد فرزندان خود را مدیریت کند و الگو برای دیگران نیز باشد.

۷. توجه به محدودیت بودجه و حق انتخاب

بدون شک کسانی که با مبانی و اصول اقتصاد آشنایی داشته باشند، می‌دانند که یکی از مباحث پر کاربرد «محدودیت بودجه» خانوار و جامعه در سطح خرد و کلان اقتصادی است. انتخاب و تعیین اولویت‌ها «نبض اقتصاد خانواده» را تشکیل می‌دهد (شهرام، شیرکوند، پایگاه جامع مدیریت). زیرا؛ انتخاب بهترین گزینه در سطوح خرد بستگی تمام به اولویت گذاری در سطح کلان اقتصاد دارد (خبر آنلاین، ۱۳۹۹/۱/۹). خانواده دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کنند، زیباترین لباس‌ها را بپوشند، در بهترین نقطه شهر و در بهترین منزل زندگی کنند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشند، به‌طور مکرر در سفر رفته و سیاحت کنند، بهترین آموزش‌ها را برای خود و فرزندان خود فراهم کنند و... ولی واقعیت غیر از این است و تنها درصد بسیار کمی از خانواده‌ها قادر به تأمین خواسته‌های فوق هستند. درآمد یک خانواده متوسط فقط می‌تواند تعداد محدودی از این خواسته‌ها را برآورده کند؛ از این‌رو خانواده باید از میان خواسته‌های خود انتخاب به‌عمل آورد. نیاز به انتخاب در تمامی طول و سطوح مختلف زندگی وجود دارد. خوب است که مادر و پدر به فرزندان شان بیاموزند که در زندگی با این مسئله مهم و حیاتی مواجه می‌باشند و باتوجه به آن باید بهترین انتخاب را داشته باشند.

بنابراین؛ بخشی از مدیریت اقتصاد فرزندان از سنین دبستان تا زمان ازدواج، مدیریت و آموزش صحیح فرزندان به تقسیم مخارج در طول هفته، ماه و سال است، به این معنا که به صورت هفتگی، ماهانه و حتی سالانه نیازهای اولیه فرزندان را تعیین و متناسب با آن مصارف و هزینه‌های فرزندان را پرداخت گردد. در نتیجه؛ کودکان و فرزندان نباید در استفاده از منابع مالی خانواده آزاد و بدون اولویت بندی داشته باشد. اگر فرزند شما محدودیت بودجه‌ی خود را درک کند، ضرورت را بر خواسته‌اش ترجیح می‌دهد. یعنی درک می‌کند که وجود چه چیزی در زندگی‌اش ضروری است و باید برای داشتن آن هزینه کند. با این کار فرزندان را یک قدم به مدیریت پول تو جیبی که برایش در نظر گرفته‌اید نزدیک‌تر خواهید کرد (<https://www.karpuzzle.com/9/22/2023>).

۸. برنامه ریزی و تصمیم‌گیری در اقتصاد خانواده

بی‌شک «برنامه‌ریزی»، «تصمیم‌گیری» و «احساس مسئولیت» برای آینده زندگی تمامی خانواده‌ها و به خصوص فرزندان مطرح و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. (مه‌دوی، ۱۴۰۲: ۵۶). چنانچه در درون یک مدل یا یک سیستم نمی‌توان «اقتصاد خانواده»، «خانواده» و «اقتصاد» را از هم مجزا کرد، زمانی که برای هر یک از فرزندان برنامه‌ریزی و تصمیم می‌گیریم، ناگزیریم نسبت به دیگران و منابع مالی و پولی خانواده «احساس مسئولیت» را متوجه آن بسازیم و وی احساس کند که تنها کسی نیست که می‌تواند منابع خانواده را هر طوری که بخواهد مصرف کند.

بنابراین؛ توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصادی خانواده به عنوان یک مسئولیت برای تمامی اعضا و به خصوص فرزندان بسیار اهمیت دارد. (<https://sarie.news>). حس مسئولیت پذیری و توجه به دیگران، می‌تواند هم برای خانواده و هم برای فرزندان اثر تربیتی خوبی در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد داشته باشد. این کار باعث می‌گردد تا فرزندان در زندگی احساس مسئولیت کرده و برای خود «برنامه‌ریزی» کرده و در مواقع گوناگون «تصمیم‌گیری» نمایند. این مسائل باعث می‌گردد که همواره در مصرف و منابع درآمدی خانواده توجه کرده و در نهایت اقتدار اقتصادی، عزت و شرف خانوادگی را به دست آورد. بنابراین؛ بسیار مناسب است که والدین، از همان کودکی مدیریت اقتصادی فرزندان را به عهده گرفته و آنان را مسئولیت پذیر بار آورند. در نتیجه؛ یکی از ارکان اصلی و مهم در مدیریت اقتصادی فرزندان «برنامه‌ریزی»، «تصمیم‌گیری» و «احساس مسئولیت» برای زندگی خوب فرزندان و در کل اقتصاد خانواده است. توجه به هزینه‌های آینده خانواده و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها برای تمام اعضای خانواده ضروری است و می‌توان در جلسات خانواده این موارد را مطرح کرد (پایگاه آخرین خبر، ۱۴۰۰/۱۰/۱۸).

۹. انجام مشاوره‌های اقتصادی برای فرزندان

اگر والدین در مدیریت اقتصادی خود، خانواده و فرزندان از توان لازم برخوردار نیستند و یا این‌که با مسائل و مشکلات اقتصادی خاص مواجه می‌باشند که به تنهایی از عهده آنان بر نمی‌آیند از مشاوره و

کسب راهنمایی از منابع و مراجع معتبر اقتصادی و حتی افراد موفق که در این زمینه وجود دارند، استفاده کنند. از طرف دیگر این مسئله با این که می‌تواند راهنمای خوبی در خرج و مصارف فرزندان باشد، می‌تواند برای فرزندان نیز یک الگوی مشوره‌خواهی باشد و خوب است که فرزندان را به این امر مبارک و خدابند «مشاوره» جهت داد. بدون شک مشاوره و کسب راهنمایی تنها راهی است که در بهبوده‌های اقتصادی، تحصیلی و رفتاری می‌تواند راهگشا و چراغ راه هدایت برای، خود، خانواده و فرزندان باشد.

در نتیجه؛ مشاور مالی نقش بسیار حیاتی در یک مجموعه و در بسیاری از خانواده‌ها داشته باشد. در واقع نقش مشاور اقتصادی، مدیریت منابع و نحوه‌ای مصارف شرکت‌ها، سازمان‌ها و خانواده‌هاست. مشاور مالی و اقتصادی تلاش می‌کند تا با شناسایی دقیق کلیه هزینه‌ها طوری آن‌ها را مدیریت کند که هزینه‌های غیر ضروری از بین رفته و تنها نیازهای ضروری انجام گردد (یوما، ۱۳۹۴: ۱۰).

بنابراین؛ مشاور اقتصادی، جایگاه مدیران اقتصادی (والدین) را در زمینه‌های مالی و اقتصادی در نظر می‌گیرد و با توجه به شرایط اقتصادی والدین آنان را راهنمایی کرده به گونه‌ای که به اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت خود دست یابند (پایگاه ویرگول، ۱۳۹۹). در نتیجه؛ در جایی که والدین نتوانند در مدیریت اقتصادی فرزندان موفق باشند، راهکار مناسب استفاده از مشاوره و راهنمایی‌هایی مشاوران در زمینه‌های مالی و اقتصادی است. مشاوران بسته به وضعیت اقتصادی و پیشرفت اقتصادی والدین و متناسب با زمان و مکان پیشنهادات خود را اولویت بندی نموده و برای والدین ارائه می‌کنند. والدین با توجه به راهنمایی‌های انجام شده اقتصاد فرزندان را به خوبی می‌توانند مدیریت کنند.

۱۰. افزایش سطح دانش اقتصادی اعضای خانواده

بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اقتصادی ناشی از عدم شناخت و آگاهی در سطوح مختلف اقتصاد از مصرف گرفته، تا پس انداز و توزیع مجدد منابع است. کارشناسان تربیت کودک بر این باورند که اگر فرزندان از محل درآمد خانواده خود اطلاعی نداشته باشند و عادت کنند که صرفاً نیازمندی‌های خود را مرتفع سازند و به نیازمندی‌های سایر اعضای خانواده بی‌اعتنا باشند، صرفاً مصرف‌کنندگان حریمی بار خواهند آمد که بعدها می‌توانند هم برای خود و هم برای جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار آورند (<https://sarie.news>). بنابراین؛ وظیفه والدین است که در ابتدا خود و سپس خانواده و فرزندان را با مسائل و مشکلات اقتصادی موجود در خانواده و جامعه آشنا نموده و سطح دانش و آگاهی را در این پیوند افزایش دهند. به منظور تحقق این مهم ابتدایی‌ترین مرجع کتاب‌ها، مقالات، نشریات و سایت‌های اقتصادی است.

بنابراین؛ ارائه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقای سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه‌ای خوبی را برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی و خودکفایی فرزندان و دیگر اعضای خانواده فراهم می‌کند. پس یادگیری روش‌های موفقیت در مدیریت اقتصاد فرزندان برای والدین و به خصوص خانواده‌های کم درآمد که دخل و خرجشان با هم جور نمی‌شود کاربرد زیادی دارد. زیرا؛ یکی از نکات

قابل توجه برای موفقیت در اقتصاد خانواده این است که افزایش درآمد خانواده اگر به درستی مدیریت نشود منجر به افزایش هزینه های خانواده خواهد شد و کمکی به بهبود معاش خانواده نمی کند. باشد. پس لازم است که تمام اعضای خانواده و به خصوص فرزندان موظفند از سیاست‌های اقتصادی مدیر اقتصادی خانواده در جهت پیشبرد اهداف آن تبعیت کنند. چنانچه والدین به عنوان مدیریت اقتصادی خانواده موظف هستند که در شرایط عادی باید براساس میزان درآمد خانواده، هزینه‌های اعضا از جمله هزینه‌های فرزندان را در کنار مسائل عاطفی، روانی، اجتماعی و فرهنگی به خوبی تنظیم و مدیریت نمایند (شیرکوند، شهرام، پایگاه اطلاع رسانی جامع مدیریت).

۱.۱. اهتمام به توسعه و رشد اقتصادی

در شرایط حاضر دستیابی به توسعه و رفاه یکی از آرمان‌های بسیار بزرگ اقتصادی است که بسیاری از کشورها به دنبال آن در حرکت هستند و تمام توان خویش را به منظور تحقق توسعه و رشد اقتصادی به کار می‌گیرند (مهردی، ۱۳۹۱: ۱). یکی از بایسته‌های مدیریت اقتصادی فرزندان به منظور تربیت صحیح آنان، توجه و اهتمام به توسعه و رشد اقتصادی است و در این راستا والدین و مدیران و مسئولان جامعه وظیفه دارند تا اهمیت این مسئله مهم اقتصادی را به فرزندان و نسل‌های آینده هر کشور منتقل کنند و برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری خوبی اتخاذ نمایند.

بدون شک رعایت حقوق اقتصادی دیگران؛ موجب رشد جامعه، توسعه و غنا و سیر تکاملی آن می‌شود. تأمین حقوق اقتصادی افراد جامعه دارای اهمیت‌های بدیهی است که اگر این دسته از حقوق برای انسان تأمین شود، راه برای سیر تکاملی و رشد مادی و معنوی انسان باز می‌شود (پایگاه اطلاع رسانی تابناک، ۱۴۰۰/۷/۲۰). اگر این دسته از حقوق برای انسان‌ها، خانواده و فرزندان تأمین نشود، نه تنها راه برای سیر تکامل اقتصادی، دستیابی به رشد مادی و معنوی فراهم نمی‌گردد که آثار سوء و ویرانگری به دنبال دارد. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید: «کاد الفقر ان یکون کفرا؛ بیم آن است که فقر به کفر منتهی شود» (کلینی، ج ۲: ۳۰۷). اگر در شرایط کنونی همه افراد جامعه، خانواده‌ها و صاحبان ثروت به حقوق اقتصادی خود شان پایبند باشند، تعادل برقرار شده و فقر از جامعه رخت بر می‌بندد و رشد و تکامل جای آن را در بر می‌گیرد: «ولو ان الناس ادو حقوقهم لکانو عائشین بخیر؛ اگر مردم حقوقی را که وظیفه آن‌هاست ادا نمایند، به خوبی می‌توانستند زندگی نمایند». (عاملی، ج ۹: ۲۰۹). در نتیجه؛ با تأمین نیاز نیازمندان و رعایت حقوق اقتصادی آنان توسط ثروتمندان و توجه فرزندان به قناعت، اعتدال و انتخاب مناسب اقتصادی بر اساس اولویت‌ها، پس انداز و سرمایه‌گذاری زمینه را برای رشد اقتصادی آنان را فراهم می‌کند.

آثار مدیریت و تربیتی اقتصادی فرزندان

مشکلات مالی در اولین قدم، فشار روانی بسیاری را برای فرد به وجود می‌آورد. مخارج و هزینه‌هایی که باید در خانواده تأمین بشوند ولی به دلیل مشکلات مالی امکان انجام‌دادن آن‌ها وجود ندارد و یا

تأمین منابع مالی برای یک موضوع مهم تا یک سررسید مشخص، می‌تواند حجم فشار روانی را در اعضای خانواده دوچندان کند. مدیریت کردن احساسات و تصمیم‌گیری‌های عقلانی در شرایط بحران مالی، یک نیاز اساسی در خانواده است. در این میان بعضا والدین به دیگر نیازها به جز نیازهای مالی فرزندان توجه بیشتر و جدی می‌کنند و نیازهای فرزندان قربانی می‌شوند. ممکن است در این قربانی آسیمی جدی به روح و روان فرزندان وارد شده و ممکن است آنان را از مسیر تربیت صحیح منحرف سازد. ولی اگر والدین بتوانند به صورت درست نیازمندی‌های فرزندان را به خوبی مدیریت کنند و در کنار سایر نیازهای خانواده به نیازهای فرزندان نیز توجه کنند، آثار و پیامدهای مثبتی در فراروی زندگی فرزندان خانواده شکل می‌گیرد که در این بخش به تعدادی از این آثار و پیامدهای مثبت اشاره می‌گردد.

۱. آثار مادی تربیت اقتصادی فرزندان

آثار مادی مدیریت اقتصادی صحیح فرزندان می‌تواند شامل توانمندی در مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی، پس انداز، دوری از اسراف و تبذیر، رعایت اعتدال و میانه‌روی، دوری از تضييع حقوق اقتصادی دیگران، تامین نیازها و دستیابی به توسعه، رفاه و پیشرفت اقتصادی باشد. تربیت اقتصادی فرزندان با مدیریت صحیح اقتصادی از آن جهت نقش دارد که مدیریت صحیح اقتصادی فرزندان منجر به زندگی پاک، اعتماد به نفس، سلامت روان، آرامش و آسودگی خاطر می‌شود (امامی، ۱۳۹۵: ۷۹).

بنابراین؛ در صورتی که اگر یک فرد از تربیت صحیح اقتصادی برخوردار باشد و فرد دیگر از تربیت صحیح اقتصادی بازمانده باشد، سبک زندگی شان متفاوت در دو مسیر کاملا جدا از هم حرکت می‌کند. البته باید گفت که این تفاوت بیشتر به تربیت و مدیریت اقتصادی فرزندان بر می‌گردد. اگر والدین به خوبی اقتصاد فرزندان خود را مدیریت و به صورت درست تربیت کند، فرزندان در تداوم زندگی از گوه‌های مصرفی خوب پیروی می‌کنند. این نوع افراد که در کودکی، نوجوانی و جوانی به خوبی مدیریت شوند در بهبوهی زندگی به «پس‌انداز»، «سرمایه‌گذاری» و «مصرف درست» اقدام می‌کنند که از این جهت آنان می‌توانند از نگاه مادی جامعه را تحت تاثیر قرار داده و به سمت و سوی توسعه، رفاه و آسایش در حرکت باشند.

۲. آثار معنوی تربیت اقتصادی فرزندان

از آن‌جا که اقتصاد در زندگی انسان‌ها نقش بسیار مهمی دارد، از نگاه اقتصاددانان اسلامی فعالیت‌های اقتصادی سالم در جامعه و مدیریت و تربیت اقتصادی فرزندان می‌تواند در کنار «آثار مادی»، «آثار معنوی» بسیاری زیادی نیز داشته باشد. مدیریت اقتصادی فرزندان می‌تواند در الگوی زندگی فردی و جمعی تاثیر به سزا به جای بگذارد. والدین با مدیریت صحیح و درست فرزندان در حوزه اقتصاد، به راحتی می‌توانند اعتقاد به تامین روزی از سوی خداوند، تلاش برای کسب روزی حلال، اعتماد به نفس، قناعت و برخورداری از سلامت روان، آرامش و آسودگی خاطر را در باور کودکان شان نقش ببندند (حلی، بی‌تا: ۱۲۷).

بنابراین؛ آثار معنوی مدیریت اقتصادی فرزندان که با روش‌های تربیتی اسلامی و سالم صورت گرفته باشد، برای جامعه به مراتب خیلی بیشتر از آثار مادی آن است. فرزندان اگر به صورت صحیح و درست از سوی والدین با روش‌های درست تربیتی مدیریت شوند، هرگز در پی روزی حرام که در زندگی اثرات منفی به جای می‌گذارد حرکت نخواهد کرد. زیرا؛ وی با تربیت صحیحی که از سوی والدین مدیریت شده است می‌داند که یک لقمه حرام چه تأثیری بر روح و روان وی و پیامدهای منفی در جامعه به جای می‌گذارد.

براساس آموزه‌های دینی، درآمدهای حرام تأثیر بسیار بدی بر روند اقتصاد خانواده و تغذیه آنان و همچنین نفس و روان استفاده‌کنندگان می‌گذارد. باید دانست که بسیاری از گناهان، ریشه در آلودگی روح آدمی دارد که در اثر اجتناب نکردن از مال حرام به دست می‌آید و لقمه حرام همانند آب آلوده که جسم را بیمار می‌کند، جان آدمی را آلوده می‌سازد. در نتیجه؛ زمانی که جان انسان آلوده گشت، نه تنها هیچ عبادت و دعایی از انسان مورد قبول واقع نمی‌شود، بلکه ناخواسته در سرآشویی سقوط قرار می‌گیرد (فجرى، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

۳. آثار فردی تربیت اقتصادی فرزندان

بدون شک مدیریت اقتصادی فرزندان با نگاه تربیتی در نحوه‌ای فعالیت اقتصادی افراد و به خصوص در فرزندان نقش مهم و تعیین‌کننده دارد. زیرا؛ کودکان امروز، جوان فردا و مردان روزگار خواهد بود. از نگاه روان‌شناسی و تربیتی، تربیت صحیح فرزندان در تمامی حوزه‌ها از جمله در مسائل اقتصادی و مدیریت صحیح آنان در این زمینه آینده تک تک افراد را رقم می‌زند. پیامبر گرامی اسلام تربیت فرزند را از پرداخت صدقه‌ای ثابت روزانه تا دریافت‌های حلال و اجتناب از حرام به خوبی سفارش کرده است. تربیت و تأدیبی که از سوی والدین نسبت به فرزندان در زبان روایات آمده است، حاکی از مدیریت امور فرزندان در تمامی حوزه‌ها از جمله مسائل مهم اقتصادی است (امامی، ۱۳۹۵: ۸۲).

۴. آثار اجتماعی تربیت اقتصادی فرزندان

اگر از آثار مادی و معنوی تربیت اقتصادی فرزندان چشم‌پوشی کنیم، خواهیم دید که آثار اجتماعی آن بسیار چشم‌گیر است. از نظر کارشناسان مسایل اقتصادی، مدیریت درست اقتصاد خانواده از جمله اقتصاد فرزندان نه تنها که در رشد اقتصادی و توسعه تأثیرگذار است، بلکه در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و حقوقی نیز تأثیرات مثبت به جای می‌گذارد. چون هر تصمیمی که اعضای خانواده از جمله فرزندان می‌گیرد، بر روند زندگی آنان تأثیرگذار است (<https://shariatdaily.com/10/14/2023>).

بر این اساس، آموزش مهارت‌های ضروری و کاربردی و اصلاح الگوی مصرف فرزندان و مدیریت هزینه‌های آنان، بسیار مهم و ضروری است. در این زمینه همین بس که با مدیریت صحیح اقتصادی فرزندان در حوزه اقتصادی، نابسامانی‌های اجتماعی، بی‌عدالتی و اجحاف بر حقوق دیگران، فساد و رشوه و... از جامعه رخت بر بسته و به جای آن رشد و تکامل، حاکمیت صلح و آرامش، کاهش جرایم اقتصادی

و اجتماعی، تعاون و کمک به دیگران، نودوستی و دستگیری مستمندان، رفاه و آسایش جایگزین خواهد شد.

بنابراین؛ توجه به تدبیر اقتصادی فرزندان و عدم توجه به آنان که از سوی والدین باید مدیریت شود، دارای آثار و پیامدهای اجتماعی در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصاد جامعه می‌باشد. بدون شک همان‌گونه که در مدیریت اقتصادی فرزندان آثار بسیار مثبت اقتصادی در جامعه وجود دارد، بی‌توجهی‌ها نسبت به مدیریت اقتصاد فرزندان، دارای ضررهای فراوان در بخش‌های حقوقی، محیط زیستی و اجتماعی به عنوان پیامدهای ناگوار نیز می‌باشد و سبب ضایع شدن منابع و امکانات، افزایش فقر، از بین رفتن دارایی‌های ملی، افزایش جرم‌های جنایی، دزدی‌ها، قتل‌های مسلحانه و فرار مغزها و مهاجرت‌های اجباری می‌گردد.

جمع‌بندی

در نوشتار فوق به یک موضوع بسیار مهم مدیریتی، اقتصادی و تربیتی، «مدیریت اقتصادی فرزندان با روش‌های تربیتی» اشاره گردید. بدون شک در عصر مدرن امروزی موضوع «مدیریت اقتصادی فرزندان» و در کل «تربیت فرزندان» بخش عمده‌ای از هویت خانواده را تشکیل می‌دهد که رونق و شکوفایی اقتصادی، رشد و ترقی خانواده و جامعه را در پی خواهند داشت. از آنجایی که هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های اقتصادی خانواده و جوامع می‌تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت‌نگری آنان نقش مهمی ایفا نماید، نقش والدین به عنوان مدیران اقتصادی برای فرزندان بسیار برجسته می‌باشد. زیرا؛ کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف‌کنندگان عمده در خانواده‌ها و همچنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده‌ها از لزوم توجه به آموزش صحیح و تربیت آنان در مدیریت اقتصادی را ایجاب می‌نماید.

مدیریت اقتصادی فرزندان و مهارت‌آموزی آنان در مصرف کردن بهینه و به جای منابع، در اقتصادی خانواده یکی از مسائل بسیار مهم در نهاد اجتماعی و اقتصادی جامعه است. پدران و مادران به عنوان مربی فرزندان و تا حدود تنظیم‌کننده رفتارهای اقتصادی به خصوص چگونگی خرید و مصرف آنان نقش دارند. از این جهت است که والدین باید مهارت‌های مدیریتی و تربیتی خویش را در بخش اقتصادی و رفتارهای اقتصادی فرزندان افزایش دهد.

در این نوشتار به پیشنهاد تحقیق، چیرستی تربیت و مدیریت، اهداف تربیت، موضوع تربیت، نقش حیاتی والدین در مدیریت اقتصادی فرزندان، چگونگی تأمین نیازهای اولیه فرزندان، عدم تأمین تمامی خواسته‌های فرزندان، توجه به سن فرزندان در دادن پول خرجی، هدایت و آموزش فرزندان به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، آموزش مدیریت خرید و فروش توسط فرزندان، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در اقتصاد خانواده توسط فرزندان، انجام مشاوره‌های اقتصادی برای فرزندان، افزایش سطح دانش اقتصادی اعضای خانواده از جمله فرزندان، اهتمام به توسعه و رشد اقتصادی و در نهایت به آثار و پیامدهای مدیریت اقتصادی فرزندان اشاره گردید. نتایج حاصل از این تحقیق عبارت از تربیت صحیح فرزندان در حوزه

اقتصاد در کنار مسائل دیگری مانند مسائل اجتماعی، فردی، فرهنگی و سیاسی است. فرزندان با مدیریت اقتصادی که از سوی والدین به اجرا در می‌آید، به فرزندان کمک می‌کند تا در مسائل فردی، اجتماعی، امور دنیوی و امور معنوی و اخروی در طریقه مصرف و هزینه کردن انحراف مسیر پیدا نکرده و در این گونه مسائل به صورت یک کار کشته عمل نماید.

با توجه به نوشتار فوق به این نتیجه دست می‌یابیم که تربیت و مدیریت اقتصادی فرزندان بسیار مهم بوده و در این راستا والدین موظف هستند که فرزندان را تا زمان که به حد کمال نرسیده زیر نظر بگیرد. والدین موظف هستند که برای جلوگیری از مصرف‌گرایی و اصلاح الگوی‌های مصرف فرزندان نهایت تلاش و کوشش خود را به جا آورند. والدین با تربیت درست فرزندان در رفتارهای اقتصادی و مدیریت اقتصادی آنان ویژگی‌های جمع‌گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت اقتصادی، رشد و پرورش می‌یابند و جامعه را نیز فساد، رشوه و اختلاس‌رهایی می‌بخشند. در بخشی از این تحقیق به آثار معنوی مدیریت اقتصادی فرزندان اشاره گردید و تأکید شد که با تربیت صحیح فرزندان در حوزه‌های گوناگون از جمله در حوزه اقتصاد، فرزندان از انگیزه معنوی و الهی برخوردار می‌گردند. فرزندان در این صورت است که به مسائلی مانند پرهیز از غرور و غفلت، اقتصاد و میانه‌روی، رعایت حقوق دیگران، اهتمام ورزیده و برای جامعه آثار سودمندی را به جای می‌گذارد.

بنابراین؛ در این گیرودار و در کشاکش این تمایلات، امکان انحراف انسان از مسیر اصلی و چشم‌پوشی و غفلت از کمال‌گرایی و کمال‌جویی به سوی شهرت، قدرت، ثروت اندوزی و... وجود دارد که نقش والدین و نهادهای تربیتی جامعه بیش از پیش برجسته شده و در کانون توجه قرار می‌گیرد. از این رو؛ در حوزه اجتماعی، تربیتی و اقتصادی بایسته‌های تربیتی برای فرزندان وجود دارد که در ابتدا والدین و سپس نهادهای تربیتی و دایره حکومتی به آن توجه نموده و انسانی را که در آینده نزدیک در جامعه نقش ایفا می‌نماید، از مسیر کژی‌ها و کجی‌ها برهاند. در نتیجه این تحقیق به نتیجه دست یافت که والدین، نهادهای تربیتی و حکومت، نیازهای اولیه فرزندان را پس اولویت بندی تأمین نموده و به سن فرزندان در مصرف، پس‌انداز و تا حد امکان در تولید توجه گردد. آموزش میانه‌روی در مصرف، پس‌انداز و توجه به محدودیت بودجه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و افزایش سطح دانش در اقتصاد و از همه مهم‌تر توجه و اهتمام به توسعه و رشد ملی توجه جدی نموده و در این عرصه به آثار تربیت صحیح و درست در حوزه‌های گوناگون مادی، معنوی و اجتماعی اهتمام ورزند.

منابع

۱. احمدی، احمد (۱۳۸۲)، «روان‌شناسی نوجوانان و جوانان»، اصفهان: انتشارات مشعل.
۲. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۷)، «روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
۳. اعرافی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «فقه تربیتی»، (اول)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. امامی، محمد، «آموزه‌های قرآنی» (۱۳۹۵)، مشهد: دانشگاه علوم رضوی، بهار و تابستان، شماره ۲۳.
۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۴)، «اسلام و تعلیم و تربیت»، قم: بوستان کتاب.
۶. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶)، «روان‌شناسی نوجوانان»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، «وسائل الشیعه»، ج ۴، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۸. حلی، احمد بن فهد، «عده‌الداعی و نجاح الساعی» (بی‌تا)، قم: مکتبه وجدانی.
۹. حیدری، اکرم (۱۳۷۲)، «روان‌شناسی رشد و اختلالات روانی رایج در کودکان»، (بی‌جا)، ناشر: مؤلف.
۱۰. دیس، موریس، چه می‌دانم (۱۳۳۵)، «بلوغ»، ترجمه: حسن صفاری، قم: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، «لغت نامه دهخدا»، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. رالف، موس (۱۳۷۵)، «تئوری‌های بنیادی درباره نوجوانی»، ترجمه: صدیقی و همکاران، تهران: انتشارات عطایی.
۱۳. رضائیان، علی (۱۳۹۳)، «اصول مدیریت»، (اول)، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. سوسن، سیف و دیگران (۱۳۸۳)، «روان‌شناسی رشد (۱)»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. سیدنی، جواد و تلاند، سمن (۱۳۸۷)، ترجمه: فرهاد منصف، «شخصیت سالم از دیدگاه روان‌شناسی انسان گرا»، (اول)، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
۱۶. شرفی، محمد رضا، دنیای نوجوان، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، چاپ هفتم.
۱۷. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۸)، «روان‌شناسی رشد»، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، «امالی»، ترجمه: حسن زاده، قم: انتشارات اندیشه هادی.
۱۹. عالی‌زاده، مریم (۱۳۸۶)، «مجله طبوبی»، بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان و جوانان، تهران: سازمان صدا و سیما، شماره ۲۵.
۲۰. عاملی، حر (۱۴۱۴ق)، «وسائل الشیعه»، ج ۹، قم: آل‌البیت.
۲۱. فجرری، محمد مهدی (۱۳۸۹)، «مجله میلغان»، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، شماره ۱۳۲.
۲۲. قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۸۹)، «پایگاه اطلاع رسانی حوزه»، قم: گنجینه معارف.
۲۳. کارول، براون (۱۳۹۳)، «روان‌شناسی رشد»، ترجمه: علی اکبر دهکردی، تهران: نشر روان.
۲۴. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۶)، «مجله تربیت»، قم: سال سیزدهم، شماره ۶.
۲۵. کلینی، محمد (۱۳۸۹)، «الکافی»، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. ل، ج، کرانباخ (۱۳۵۱)، «روان‌شناسی تربیتی»، ترجمه: رضوی، تهران: انتشارات دهخدا.
۲۷. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، (دوم)، تهران: انتشارات گنج دانش.

۲۸. ماریانا، کتی (۱۳۹۳)، «رشد مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و هیجانی کودکان»، ترجمه: مژگان حیاتی، تهران: نشر دانژه.
۲۹. محمصص، مرضیه (۱۳۹۳)، «پژوهش‌های اجتماعی اسلامی»، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۱۳.
۳۰. مطهری، محمد لطیف (۱۳۹۸)، «گفتمان فقه تربیتی»، قم: جامعه‌المصطفی العالمیه، شماره ۱۸.
۳۱. معیری، محمد طاهر (۱۳۷۸)، «بچه‌های خوب، پرورش بد»، تهران: امیر کبیر.
۳۲. مهدوی، محمد اسحاق (۱۴۰۲)، «جزوه درسی مبانی و اصول مدیریت»، غزنی: انتشارات افق.
۳۳. مهدوی، محمد اسحاق (۱۳۹۱)، «شاخص‌های توسعه اقتصادی با رویکرد اسلامی و با نگاهی به افغانستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۴. مهدی زاده، حسین (۱۳۸۱)، «مجله معرفت»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۵۹.
۳۵. الموسوی الخمینی، روح الله (۱۴۰۸)، «تحریر الوسيله»، الجزء الثانی، (سوم)، هجری قمری، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۶. وندرزندن، جیمز (۱۳۸۵)، «روان‌شناسی رشد»، (دوم)، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: مؤسسه نشر ساوالان.
۳۷. الیزابت‌بی، هارلوک (۱۳۹۴)، ترجمه: پرویز شریفی، «درآمدی بر روان‌شناسی شخصیت، با تأکید بر تحلیل عوامل مؤثر بر رشد شخصیت»، تهران: آوای نور.
۳۸. یوما، هایلانگ‌چن (۱۳۹۴)، ترجمه: رضا مجیدزاده، «مجله بورس»، تهران: شماره ۱۲۴.